



# حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر

## در دوران هخامنشی

امین رضا کوهستانی

«منم کوروش، فرزند کمبوجیه، فرمانروای آسیا، که دولت پارس را بنا کرد. بر زمین کمی که تن مرا در بر گرفته رشک مبر». <sup>۱</sup>

کوروش

### چکیده

در این مقاله در بی پاسخ دادن به بخشی از این پرسشیم که تاچه اندازه می‌توان استانداردهای امروزین حقوق بشر را در تاریخ جستجو کرد؟ در این راستا تنها به بررسی بخشی از تاریخ ایران (دوران هخامنشیان) و آنهم در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر پرداخته شده است. بر پایه داده‌های تاریخی، سیاستهای دولت هخامنشی در زمینه بستر سازی برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، قانونگذاری، اقتصاد سالم، نظام مندی مالیات، توسعه کشاورزی و حقوق کار بررسی شده است تاروشن شود که آیا به واقع دورانی زرین در حوزه حقوق بشر در تاریخ ایران روی داده است یا نه؟ به سخن دیگر، آیا گستاخی در احترام به حقوق بشر در ایران بوده است یا نه؟

### زمینه

مادام دیولا فوا، از نخستین باستان‌شناسانی که در آثار بر جای مانده از دوران هخامنشی کاوش کرده است، درباره نخستین برخوردهش با آرامگاه کوروش، نوشت:

«انگلیسی‌ها آن را مقبره سیروس (کوروش) دانسته‌اند و ایرانیان آن را قبر مادر سلیمان می‌نامند... دهقانان در درزهای سقف سنگی، میخ‌های چوبی فرو برده و چراغ‌های فلزی به آن آویخته‌اند و لباس‌های

نا ۱۵۰ سال پیش مردمان پاسارگاد مانند بسیاری دیگر از ایرانیان، این نوشه و دیگر سنگ نبشه‌های در آن اطراف را «خط جادو» می‌پنداشتند.<sup>۲</sup> مردمان آرامگاه کوروش بزرگ را «مشهد مادر سلیمان»، پایتخت نوروزی ایرانیان را «تحت جمشید» و آرامگاه داریوش و خشایار شار، «نقش رستم» می‌پنداشتند.



صادرمی شد.»<sup>۱۰</sup>

در بیش از دو سده دوران این امپراتوری، جز خشایارشا دوم که تنها ۴۵ روز پادشاه ایران بود،<sup>۱۱</sup> پادشاه بر ایران فرمان راندند.<sup>۱۲</sup> میانگین ۲۲ سال فرمانروایی برای هر پادشاه گویای ثبات نسبی امپراتوری است که بستر لازم را برای اجرای سیاستهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت فراهم می‌آورده است. با این همه هر چه به سالهای پایانی دوران هخامنشیان نزدیک می‌شویم، این میانگین کاهش می‌یابد.

## ۱. کوروش بزرگ

کوروش فرزند کمبوجیه، (پادشاهی از ۵۵۰ تا ۵۲۹ پ.م.) بینانگذار نخستین امپراتوری در تاریخ جهان است. پیش از او، در خاندان هخامنش، چند پادشاه به نامهای هخامنش، چهاش پیش (ته ایس پس)، کوروش یکم و کمبوجیه بر سرزمین کوچکی در جنوب باختری ایران<sup>۱۳</sup> فرمان می‌راندند. هنگامی که در ۵۵۹ پیش از میلاد مسیح بر تخت شاهی نشست، نخست همدان پایتخت مادهای ابی خونریزی گشود و دستگاه حکومت خود را به آنجا بردو شماری از پارسیان را به همکاری و

○ در تاریخ هرودوت، در بخشی با عنوان «دادستان کوروش»، از دسته‌ای نویسنده ایرانی که «حقیقت مطلق را بیان کرده‌اند»، یاد شده است. اما به ظاهر آثار این مورخان ایرانی در جریان حمله اسکندر، پس از آنکه به رومی و قبطی برگردانده شده، اصل آنها (به خط فارسی) به دستور اسکندر سوزانده شده<sup>۱۴</sup> و به دست نسل‌های آینده نرسیده است. تنها با کوشش باستان‌شناسان، واژه‌شناسان و تاریخ‌نویسان جهان بود که پس از گذشت بیش از دو هزار سال، «پارس هخامنشی از میان مردگان برخاست». <sup>۱۵</sup>

کنه‌ی الوان هم به طریق نفوذ نیاز در آنجا گذارد داشد. زنان دهقانان کوشش می‌کردند که مرد از آنجا بیرون نکند، زیرا باس من مردانه بود و مردها بایستی به احترام مادر سلیمان در مقبره داخل شوند....»<sup>۱۶</sup>

مردمان در این میان گناهی نداشتند. دانسته‌های آنها از گذشته کشورشان، محدود به افسانه‌های شاهنامه و پاره‌ای اوهام و تخیلات بود.

در تاریخ هرودوت، در بخشی با عنوان «دادستان کوروش»، از دسته‌ای نویسنده ایرانی که «حقیقت مطلق را بیان کرده‌اند»، یاد شده است.<sup>۱۷</sup> اما به ظاهر آثار این مورخان ایرانی در جریان حمله اسکندر، پس از آنکه به رومی و قبطی برگردانده شده، اصل آنها (به خط فارسی) به دستور اسکندر سوزانده شده<sup>۱۸</sup> و به دست نسل‌های آینده نرسیده است. تنها با کوشش باستان‌شناسان، واژه‌شناسان و تاریخ‌نویسان جهان بود که پس از گذشت بیش از دو هزار سال، «پارس هخامنشی از میان مردگان برخاست».<sup>۱۹</sup>

امپراتوری هخامنشی ۲۲۰ سال بربار بود و قلمرو ایران در اوج قدرت هخامنشیان، از هند تا شمال آفریقا، و از دریای آرال تا خلیج فارس، می‌رسید. مساحت ایران هفت میلیون و پانصد هزار کیلومتر مربع (کمابیش چهار نیم برابر مساحت کنونی) بود<sup>۲۰</sup> که پهناورترین شاهنشاهی در تاریخ جهان به شمار می‌رود.<sup>۲۱</sup>

در دوران هخامنشیان، شاه خود را نماینده اهورامزدا می‌شمرد و چون بر شاهانی چند فرمان می‌راند، «شاهنشاه» یا شاه شاهان خوانده می‌شد. ملت‌های گوتاگونی که زیر فرمان او بودند، (جز یونانیان) به این لقب اعتراضی نداشتند.<sup>۲۲</sup>

پروفسور ایلیف شرق‌شناس انگلیسی، درباره ساختار قدرت در دوران هخامنشی می‌نویسد: «گرچه به تصور عمومی یونانیان، شاهنشاهان ایران، سلطان مستبد، بازیلیوس و نمونه کامل مطلق العنای بودند، مع‌هذا در حقیقت قدرت آنها به وسیله سنن و رسوم قدیمه تا اندازه‌ی زیادی محدود بود. فرمان‌ها و دستورهای شاه که چنین امپراتوری بزرگی را سرپانگاه داشته بود، نمی‌توانست از ناحیه‌ی یک سلطان مستبد و بدون مسئولیت باشد، بلکه از طرف شورای سلطنتی



سلوک مشفقاته و پدرانه می نمود. پخشندۀ، خوش مزاج و مؤدب بود و از حالت رعیت آگاهی داشت.<sup>۱۶</sup>

در حالی که یونانیان اورا دشمن می داشتند.

پیشوایان یهود در کتب مقدس خود، از کوروش بعنوان منجی و مسیح موعود، یاد کرده اند:

«چنین گوید یهوه، به بنده اش کوروش، که دست راست او را بلند کرده است تا بر ملت هایی که در برابر او بند بکوید و پادشاهان را زیون سازد، تادر واژه هارا چنان بر او بگشاید که هر گز بسته نشوند... گنجینه های پنهان را به تو خواهم سپرد تا آنکه تو بدانی که من یهوه هستم.»<sup>۱۷</sup>

## ۲. منشور حقوق بشر

هرمز رسام باستان شناس ایرانی، به هنگام کاوش های باستان شناسی در معبد مردوک بابل در ۱۸۷۸، یک استوانه سفالین کوچک ۲۵ سانتی متری، به شکل بشکه یافت، که روی آن نوشته شده بود:<sup>۱۸</sup> «... من کوروش شاه جهان، شاه بزرگ، شاه توانا، شاه بابل، شاه سوم و اکد...».

کوروش در نخستین سال فرمانروایی خود در بابل، در اقدامی تاریخی، فرمانی مبنی بر آزادی یهودیان از اسارت و بازگشت آنان به سرزمین مادری و نیز دوباره سازی پرستشگاه در بیت المقدس، صادر کردو اجازه داد که ظروف زرین و سیمینی که از آنجا آورده بودند به محل اصلی بازگردانده شود.<sup>۱۹</sup>

آنان بیشتر برده شدگانی بودند که از سوی شاهان بابل ناگزیر از کوچ اجباری از سرزمین خود به آبادی های نزدیک میانزودان شده بودند، که با پیروزی کوروش، بر پایه عرف آن زمان، بر دگان شاه فاتح به شمار می آمدند. اماً کوروش با فرمانی رسمی دستور داد همه چهل هزار یهودی آزاد راهی سرزمین خود شوند.<sup>۲۰</sup>

او پس از آمدن به بابل در کنار فرمان عفو عمومی، دستور داد ویرانی هارا بازسازی کند. نکته جالب اینکه گفته می شود خود پیش گام شد و بیل و کلنگ و سطل

آب به دست گرفت و بازسازی را آغاز کرد.<sup>۲۱</sup>

او سپس دستور داد اعلامیه ای روی استوانه ای از گل پخته نوشتند، که در آن صلح دوستی و دلبستگی خود به

○ امپراتوری هخامنشی ۲۲۰ سال بر پا بود و قلمرو ایران در اوج قدرت هخامنشیان، از هند تا شمال آفریقا، و از دریای آرال تا خلیج فارس، می رسید. مساحت ایران هفت میلیون و پانصد هزار کیلومتر مربع (کمابیش چهار و نیم برابر مساحت کنونی) بود که پهناورترین شاهنشاهی در تاریخ جهان به شمار می رود.

نظارت بر کارهای دولتی کرد؛ سپس بابل و مصر را گشود و خیلی زود فرمانروایی مطلق سرزمین های تصرف شده را به دست گرفت. او همانند شاهان آن کشورها و بر پایه ستنهای محلی آنها تاجگذاری کرد و رسوم کهن، تقویم و روش های اداری آن کشورها را به کار گرفت.<sup>۲۲</sup> ریچارد فرای درباره این نوشته است:

«... فتوحات پارسیان واقعاً چندان بزرگتر از جهانگیران گذشته نبود.... آنچه در این میان تقاوی داشت، سیاست آشتی خواهانه کوروش بود.... برای رسیدن به این هدف، مردم فرودست می باید با شاه همکاری کنند....»<sup>۲۳</sup>

کوروش برای نخستین بار در تاریخ، به تمدن و باورها و اندیشه و مذهب و ستنهای اجتماعی ملتهای شکست خورده به دیده احترام نگریست. در واقع شهرت و نیکنامی کم مانند کوروش بیشتر به این علت است که این شهریار پیروز، برخلاف کمابیش همه شاهان، به حقوق بشر (به مفهوم گسترده) باور داشت.<sup>۲۴</sup>

هروdot، (که در دوران کوروش می زیسته) اورا پدری مهربان دانسته که برای رفاه مردمان تلاش می کرده است.

هروdot نوشته است:

«کوروش پادشاهی ساده، جفاکش، بسیار عالی همت، شجاع و در فنون جنگ ماهر، که ایالت کوچک فارس را یک مملکت بزرگ نمود. مهربان بود و بار عایا



دشت‌های آن خاموش کردم و آن را به صورتی درآوردم  
که گورخر، آهو و سایر حیوانات وحشی با آرامش  
خاطر در آن زندگی کنند! [!....]»<sup>۲۵</sup>

برخی معتقدند که هدف کوروش از جنگ و  
کشورگشایی، پایه‌گذاری جامعه‌ای جهانی استوار بر  
امنیت و آرامش و دور از جنگ و ویرانگری بوده است؛  
چرا که بسیاری از فتوحات خود را بی‌جنگ و خونریزی  
شکل داده و گذشته از آن، چنان به بافت دینی و فرهنگی  
بخوانید حقوق فرهنگی) ملت‌های زیر فرمان خود  
اهمیت می‌داده است که مردمان اور ارتش را به چشم یک  
پادشاه نمی‌نگریسته‌اند. روحانیون بابل او را پیامبر  
مردoux، وابیای یهودا و ارشابان یهوه و مسیح موعودو  
نمود عینی خدای دادگستر خوانده‌اند.<sup>۲۶</sup>

استوانه کوروش را نخستین منشور حقوق بشر در  
جهان دانسته‌اند. سازمان ملل متحد، این منشور را در  
۱۹۷۱ میلادی، به همه زبانهای رسمی سازمان منتشر  
کرد.<sup>۲۷</sup>

روایات ترجمه‌ای گوناگون از منشور کوروش در  
دست است، اما با مقایسه نسخه‌های گوناگون می‌توان  
دریافت که برخی به عمد پاره‌ای از سطور منشور را، که  
می‌بنداشته‌اند دافعه‌ای ایجاد می‌کند، حذف کرده‌اند. در

○ کوروش برای نخستین بار در تاریخ، به  
تمدن و باورها و اندیشه و مذهب و سنت‌های  
اجتماعی ملت‌های شکست خورده به دیده  
احترام نگریست. در واقع شهرت و نیکنامی  
کم‌مانند کوروش بیشتر به این علت است که  
این شهریار پیروز، برخلاف کمابیش همه  
شاهان، به حقوق بشر (به مفهوم گسترده) باور  
داشت.

هروdot، (که در دوران کوروش  
می‌زیسته) او را پدری مهریان دانسته که برای  
رفاه مردمان تلاش می‌کرده است.

نوع بشر و بویژه رفاه و امنیت انسانها را ابراز داشت.<sup>۲۸</sup>  
<sup>۲۹</sup>

ارزش کارهای کوروش آن گاه روشن می‌شود که با  
گوشه‌هایی از ستمها و بیدادگری‌های کشورگشایان پیش  
از او آشنا شویم:

۱. مانیستوسوبنیانگذار سلسله اکد در ۲۸۰۰ سال  
پیش از میلاد، پادشاه عیلام را به اسارت برد و سرزمین او  
را یکسره غارت کرد؛

۲. در ۲۲۸۰ پیش از میلاد، کودنان خوندی شهر  
اور پایتخت سومر را غارت کرد و تدبیس رب النوع ارخ  
را به عیلام برد؛

۳. شوتروک ناخون تا پادشاه عیلام، در ۱۱۹۰ پیش  
از میلاد در دوران فرمانروایی سلسله کاسیها، شهر بابل را  
غارت کرد و همه چیزهای گرانبهای آنجارا به شوش  
برد؛

۴. آشوری‌ها پس از جنگ و خونریزی و غارت،  
ساختمانها و آثار را از میان می‌بردند. درباره سنگدلی  
آشور نازیر بال نوشتند که حتی به کودکان اسیران-پسر  
یادختر-رحم نمی‌کرده و آنها را زنده در آتش  
می‌انداخته است؛

تکات فالازار یکم (۱۱۶-۱۰۹۰ پیش از میلاد) تنها  
به ویران کردن و سوزاندن شهرها و پرستشگاهها بسته  
نمی‌کرد بلکه دوست داشت سر اسیران را در حالی که  
سلاح به دست دارند ببرد و از سرهاشی بریده آنان پشته‌ها  
بسازد؛

توکولتی نینورتای دوم (۸۹۰-۸۸۴ پیش از میلاد)  
بریانه کتبه‌هایی که ازاو به جامانده، شکست خوردگان  
را زنده زنده پوست می‌کنده و پوستشان را از کاه پر  
می‌کرده و بر دیوارهای شهر می‌آویخته، یا آنان را  
زنده زنده لای دیوار می‌گذاشته است؛

اسارهاردون، آشوری‌های سرکش را به دست خود،  
گوش و بینی می‌بریده است.<sup>۲۹</sup>

آشوربانی پال گفته است:

«در مدت یک ماه سراسر کشور عیلام را به ویرانه  
مبدل ساختم. صدای مردم و صدای چهارپایان کوچک و  
بزرگ و هر نوع زمزمه و شادی و سرود را در مزارع و



چهره‌داریوش بعنوان عامل ایجاد تحول در ساختار سنتی دولت، اقتصاد و حقوق، بسیار برجسته‌تر است.

### ۴. پس از داریوش

پس از داریوش (از ۴۸۶ تا ۳۳۰ پ.م)، پادشاهانی زمام حکومت را به دست گرفتند، که از سیاستهای خردمندانه کوروش و داریوش، چندان پیروی نکردند. آنان با گرفتن مالیاتهای کمرشکن و بهره‌های سنگین، برپا کردن انحصارات ناعادلانه پرستشگاهی و... به افزایش شکاف در آمدی میان دارا و نادر کمک کردند، به گونه‌ای که سطح زندگی با کاهش چشمگیر رو به رو شد.<sup>۳۲</sup>

بادنبال شدن برنامه‌های نادرست اقتصادی، رفتارهای پشتیبانی ملتهای تابع از میان رفت به گونه‌ای که در مصر، قبرس، فنیقیه و سوریه، اندیشه استقلال خواهی برای گستین زنجیرهای اسارت اقتصادی و تبعیض پا گرفت و همین، زمینه پیروزی اسکندر را در ۳۳۰ پ.م فراهم ساخت.<sup>۳۳</sup>

«تاپیوستگی»، از ویژگیهای همه جوامع استبدادی است؛ یعنی همچنان که آریستو کراسی پادشاهی در این

○ برخی معتقدند که هدف کوروش از جنگ و کشورگشایی، پایه‌گذاری جامعه‌ای جهانی استوار بر امنیت و آرامش و دور از جنگ و ویرانگری بوده است؛ چرا که بسیاری از فتوحات خود را بی جنگ و خونریزی شکل داده و گذشته از آن، چنان به بافت دینی و فرهنگی (بخوانید حقوق فرهنگی) ملتهای زیر فرمان خود اهمیت می‌داده است که مردمان او را نگیریسته‌اند. روحانیون بابل او را پیامبر مردوخ، و انبیای یهود او را شبان یهوه و مسیح موعود نمود عینی خدای دادگستر خوانده‌اند.

برخی موارد تعابیری از متن شده که گویی کوروش بزرگ، امروز و در مقام آموزگار حقوق بشر، سخنرانده است. مانند این نمونه:

«... از مزادخواهانم که مرادر راه اجرای تعهداتی که نسبت به ملت‌های ایران و بابل و ملل چهار جانب جهان بر عهده گرفته‌ام، موفق گرداند...». یا:

«... من تاروzi که پادشاه هستم نخواهم گذاشت کسی مال غیر منقول یا منقول دیگری را به زور یا به طرق دیگر بدون پرداخت بهای آن و جلب رضایت صاحب مال، تصرف نماید...».

که هیچ یک از آنها در نسخه‌های ترجمه شده معتبر یافت نمی‌شود. سوراخانه نسخه‌های سورئال و خیالی از منشور، بسیار بیشتر از متن معتبر، در دسترس همگان است.<sup>۲۸</sup>

### ۵. داریوش بزرگ

او سومین پادشاه هخامنشی بود (پادشاهی از ۵۲۱ تا ۴۸۶ پ.م.) گذشته از دشواریهایی که در رسیدن به شاهی پشت سر گذاشت، در آغاز زمامداری او جنبش‌هایی استقلال خواهانه در میان ملتهای امپراتوری پدید آمده بود که داریوش را بر آن داشت با ساخت گیری آنها را سرکوب کند.<sup>۲۹</sup> داریوش کارهای خود در برابر مخالفانش را در کنیه بیستون بیان می‌کند:

«پس از آنکه فرورتیش با سواران کمی به طرف ری، که در ماد است، رفت، فوراً سپاهی به قصد او فرستادم. فرورتیش را دستگیر کردند و نزد من آوردند. من بینی و گوش‌های او را بردم و چشمانش را در آوردم، [سپس] او را به زنجیر در دربار من نگاه داشتند و همه‌ی مردم او را دیدند. آنگاه فرمان دادم تا در همدان او را بر نیزه نشاندند،<sup>۳۰</sup> و سران همدست او را در همدان درون قلعه به دار کشیدم.»<sup>۳۱</sup>

در آن زمان، ذکر این گونه کارها در کتبیه‌ها مرسوم بوده و چنین پیداست که پادشاهان به آنها می‌باشدند. اما پس از پایان دوران نبرد و برقراری آرامش، داریوش لباس جنگ از تن به در کرد و سازمان تازه حقوقی، اداری و اقتصادی امپراتوری بزرگ ایران را بنیان نهاد.



○ استوانه کوروش رانخستین منشور حقوق بشر در جهان دانسته‌اند. سازمان ملل متحده، این منشور را در ۱۹۷۱ میلادی، به همه زبانهای رسمی سازمان منتشر کرد.

حقوق بشر، برای تحقق بخشیدن به آرمانهای انسان رهایی یافته از تهییدستی و ترس، با بهره‌گیری هرچه بیشتر از منابع موجود، به تعهدات خود عمل کرد؛ هرچند مرجع این تعهدات در تئوری حکومتی شاهنشاهی ایران، شهر و ندان نبودند، بلکه اهورامزدا بود (چون شاه «فره ایزدی» را از او دریافت می‌کرد و بنابراین تنها در برابر او مسئول بود).<sup>۳۷</sup> با این همه، برآوردن خواست مردمان به علت بیم از سرکشی و شورش آنان، در عمل مهمترین دغدغه پادشاهان بود.

## ۶. قانونگذاری

نخستین بخش از اصلاحات داریوش، گذاردن قانون تازه‌ای بود که باید در سراسر شاهنشاهی ایران اجرا می‌شد. داریوش در سرگذشت‌نامه خود، که در سال ۵۲۰ نوشته شده، گفته است:

«به خواست اهورامزدا، این سرزمین‌ها از روی داد من رفتار کردند؛ آنچه شان از من فرمان داده شد، آن کردند.»<sup>۳۸</sup> این یک خودستایی بیهوده نبوده، زیرا در اویل ۵۱۹، یعنی در همان سال دوم فرماتروایی اش، می‌بینیم که دادنامه شاه در میان بابلی‌ها به کار گرفته شده است. جمله «از روی دادشاه باید جبران کنند.» در یک سند فروش برده در بابل یافت شده است.<sup>۳۹</sup>

در اینکه قانون‌ها، که باهم «دستور آیین‌های خوب»<sup>۴۰</sup> افراهم می‌ساخت، زیرنظر خود داریوش گردآوری، بازبینی، و در دادنامه تازه گذاشته شده شکنی نیست؛ هر چند روش‌شن است که این دادنامه را به این زودی نمی‌توانسته‌اند فراهم آورند، مگر اینکه آن را برایه دادنامه دیگری که پیش از آن به کار می‌رفته، نهاده باشند.<sup>۴۱</sup> او مستند، پژوهشگر تاریخ باستان، با مقایسه

جوامع پدیدنی آید و همچنان که انباشت درازمدت سرمایه در آنها صورت نمی‌پذیرد، پیش‌رفتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز شکننده و آسیب‌پذیر است و دوام نمی‌یابد.<sup>۴۲</sup>

برایه این تئوری، از دگرگونیهایی که در نیمه دوم دوران هخامنشی پدید آمد، تحلیل بهتری خواهیم داشت.

## پادشاهان هخامنشی

۱. کوروش بزرگ ۵۵۰ تا ۵۲۹ پیش از میلاد.
۲. کمبوجیه ۵۲۹ تا ۵۲۶ پیش از میلاد.
۳. داریوش بزرگ ۵۲۲ تا ۴۸۶ پیش از میلاد.
۴. خشایارشا ۴۸۶ تا ۴۶۶ پیش از میلاد.
۵. اردشیر اول ۴۶۶ تا ۴۲۴ پیش از میلاد.
۶. خشایارشا دوم ۴۲۲ روز در سال ۴۵ پیش از میلاد.
۷. داریوش دوم ۴۲۴ تا ۴۰۴ پیش از میلاد.
۸. اردشیر دوم ۴۰۴ تا ۳۵۸ پیش از میلاد.
۹. اردشیر سوم ۳۵۸ تا ۳۳۸ پیش از میلاد.
۱۰. ارشک ۳۳۸ تا ۳۳۶ پیش از میلاد.
۱۱. داریوش سوم ۳۳۶ تا ۳۳۰ پیش از میلاد.<sup>۴۳</sup>

## ۵. بستر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

تا پیش از داریوش، هرچند در پرتو رفتار و سیاستهای مدار آمیز کوروش، امپراتوری هخامنشی چهره یک «حکومت خوب» را در میان ملت‌ها به نمایش گذاشت، اما هنوز از حیث حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بسترها لازم فراهم نشده بود، هنوز وجه نظامی گری دولت-مانند بسیاری از دولتها باستانی- بر دیگر وجود چیره بود و نقش دولت در ساماندهی بنیان‌های اقتصادی همچنان کم رنگ بود.

داریوش دست به اصلاحاتی زد که تا مدت‌ها آثارش بر چهره ایران نمایان بود. بسیاری از این اصلاحات که در نوع خود بی‌مانند بود، بستر را برای طرح حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر و ندان فراهم آورد؛ هرچند پادشاهان پس از او از زمینه‌های ایجاد شده بهره چندانی نبردند.

به هر رو داریوش در چارچوب ادبیات امر و زین



دستورهای مذهبی، عرف و عادت آمیخته شده و روی هم رفته قوانین و اصول جاری کشور را پیدا آورده است.<sup>۴۵</sup>

داریوش در مقام شاهنشاه نه تنها مهمترین قانونگذار در چارچوب امپراتوری خود بود، بلکه در رأس قوه قضاییه نیز قرار داشت. بدین سان پادشاهان هخامنشی بی هرگونه محدودیت حق داشتند در همه دعاوی و مسائل مربوط به جرایم مداخله کنند.<sup>۴۶</sup>

داریوش تا پایان زندگیش به «دستور آیین‌های خوب» می‌باید. باید دانست که شهرت او همچون یک دادگذار پس از اوزنده ماند. از دید افلاطون، داریوش دادگذاری بوده است که دادهای او شاهنشاهی پارسی را تا پایان زندگی اش نگاه داشته بود. حتی تا ۲۱۸ میلادی (نزدیک به ۷۴۰ سال بعد) «داد» شاه، هنوز همچون قانون حاکم نقل می‌شد.<sup>۴۷ و ۴۸</sup>

هر چند داریوش را به علت اجرای برخی مجازات‌های خشن در مورد مخالفانش نمی‌توان همچون کوروش پادشاهی آزادمنش خواند، ولی به مانند کوروش به اصل تساهل و تسامح و احترام به ملت‌های گوناگون پای بند بوده است.<sup>۴۹</sup>

## ۷. برپا کردن اقتصاد سالم

داریوش امپراتوری خود را به بیست استان یا ساتراپی بخش کرد و سربرستی هر یک را به فرمانروایی توامند سپرد. وی به منظور گسترش بازارگانی و نزدیک ساختن روابط استانها به یکدیگر و نیز تأمین هدفهای استراتژیک خود، دست به ساختن جاده‌های بزرگ زد، از جمله جاده شاهی که افسوس را به شوش پیوند می‌داد و از دجله و فرات می‌گذشت و درازی آن نزدیک به ۲۴۰۰ کیلومتر بود؛ جاده‌ای دیگر بابل را به هندوستان مربوط می‌کرد. داریوش شبکه اطلسی گسترده‌ای برپا کرد که مأموران آن کارهای ساتراپ‌ها و فرماندهان نظامی را زیر نظر می‌گرفتند.<sup>۵۰</sup> از دیگر کارهای بزرگ داریوش، که ارزش اقتصادی و راهبردی فراوان داشت، کندن کاتال سوئز بود.<sup>۵۱</sup>

با تثبیت اوضاع اقتصادی در دوران داریوش، در بیشتر نقاط کشور «سکه» ابزار مبادله شدو اندک اندک

○ داریوش دست به اصلاحاتی زد که تا مدت‌ها آثارش بر چهره ایران نمایان بود. بسیاری از این اصلاحات که در نوع خود بی‌مانند بود، بستر رابرای طرح حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر و ندان فراهم آورد؛ هر چند پادشاهان پس از او از زمینه‌های ایجاد شده بهره چندانی نبردند.

به هر رو داریوش در چارچوب ادبیات امروزین حقوق بشر، برای تحقیق بخشیدن به آرمانهای انسان‌رها می‌یافته از تهیّدستی و ترس، با بهره‌گیری هر چه بیشتر از منابع موجود، به تعهدات خود عمل کرد؛ هر چند مرجع این تعهدات در تئوری حکومتی شاهنشاهی ایران، شهر و ندان نبودند، بلکه اهورامزدا بود (چون شاه «فره ایزدی» را از دریافت می‌کرد و بنابراین تنها در برابر او مسئول بود).

دقیق «دستور آیین‌های خوب» داریوش با قانون‌های حمورابی<sup>۴۲</sup> به این ترتیج رسیده است<sup>۴۳</sup> که دستورهای داریوش به اندازه‌ای از نظر کاربرد و اثرهای جمله‌بندی و همچنین از نظر درونمایه به لوح نوشته‌ی حمورابی شبیه است که «به ما ثابت می‌شود کشوردار جوان (داریوش) از کشوردار کهن تر تقليد کرده است.<sup>۴۴</sup>

این دستورها در بیستون، تخت جمشید، شوش و نقش رستم موجود است. برخی از آنها، روی لوحه پاپیروس نوشته و برای اجرای استانها و ساتراپ‌های امپراتوری ایران فرستاده می‌شده است.

دستورهای شاه که در برخی موارد با نظر مشاوران ویژه تهیّه می‌شده، اساس قوانین را تشکیل می‌داده است. در طول تاریخ ایران، این نظمات با تعليمات و



## ۹. توجه و پژوه به توسعه کشاورزی

ویژگی‌های جغرافیایی ایران، اهمیت کشاورزی در آینین مزدیستانا و سیاستهای تشویقی و ترغیبی دولت، باعث شد که ایران به قامت یکی از کهن‌ترین کانون‌های کشاورزی در جهان درآید.

شاه در برخی از بخش‌هایی کشور به گشت و گذار می‌پرداخت و اگر می‌دید که در استانی درختهای بار آور و زمینهای دایر بسیار است، به والی پاداش می‌داد و کرسی‌های ممتاز به او می‌بخشید و بخشی را به استان زیر فرمان او می‌افزو و دو اگر ایالتی را کم جمعیت و با بر می‌دانست، جای او را به دیگری می‌داد.<sup>۵۹</sup>

شاهان هخامنشی برای تشویق کشاورزی فرمان داده بودند هر کس زمینهای بی حاصل را با آبیاری آباد کند تا پنج پشت در آمد آن، از آن او و بازماندگانش باشد.<sup>۶۰</sup> از سوی دیگر، به کشاورزان و امها بی بهره داده می‌شد.<sup>۶۱</sup> نامه‌ای از داریوش در دست است که به فرمانروای گداتس فرستاده شده است. وی در این نامه دستور داده است که در آسیای صغیر و رویه گیاهان و درختان شرقی بکار نند. شاه می‌نویسد:

○ نخستین بخش از اصلاحات داریوش، گذاردن قانون تازه‌ای بود که باید در سراسر شاهنشاهی ایران اجرا می‌شد. داریوش در سرگذشت نامه خود، که در سال ۵۲۰ نوشته شده، گفته است:

«به خواست اهورامزدا، این سرزمین‌ها را روی داد من رفتار کردند؛ آنچه شان از من فرمان داده شد، آن کردند.» این یک خودستایی بی‌هوده نبوده، زیرا در اوایل ۵۱۹، یعنی در همان سال دوم فرمانروایی اش، می‌بینیم که دادنامه شاه در میان بابلی‌ها به کار گرفته شده است.

بانک‌ها نقشی بر جسته در فعالیت‌های اقتصادی بازی کردند. از پدیده‌های جالب اقتصادی در آن دوران، پاگرفتن بانک‌های خصوصی بود.<sup>۶۲</sup> این مستند می‌نویسد:

«داریوش نه تنها یک کارگزار بزرگ بود بلکه به نسبت آگاهی و روش انبویشی اش، یک کاردار بر جسته مالی بود. در میان پادشاهان باستانی کمتر فرمانروایی می‌باییم که مانند داریوش دریافته باشد که کامیابی یک ملت باید بر بنیاد اقتصادی سالم گذاشته شود.»<sup>۶۳</sup>

## ۸. نظام‌مندی مالیات

در اوایل دوران هخامنشی، مالیات به معنای دقیق کلمه وجود نداشت. در زمان کوروش و پسرش (کمبوجیه)، ایرانیان به جای مالیات منظم، پیش‌کش‌ها و هدایایی به شاه می‌دادند. اندک اندک، دولت هخامنشی به گرفتن مالیات نقدی پرداخت. وضع مالیات با تصویب قصاصات، بر مبنای سکه‌های طلای دوران داریوش، معین و در دفترهای ویژه مالیاتی که بعدها به «قانون» نامبردار شد، ثبت می‌شد. داریوش مسئولیت گردآوری مالیات را بر عهده مأموران ویژه‌ای گذاشت که از سوی دولت هخامنشی گماشته می‌شدند، تا ساتراپ‌ها توانند با دست یافتن به منابع مهم مالی از دولت مرکزی احساس استقلال کنند.

مالیات‌های نقدی که سالانه در دوران فرمانروایی داریوش به شوش پایتخت او می‌رسید، کمایش برابر با ۲۰ میلیون دلار بود که بخش بزرگی از آن در خزانه شاه اباشت می‌شد.<sup>۶۴</sup> در آمد سالانه یک روستایی در دوران هخامنشی کمتر از ۱۵ دلار بود.<sup>۶۵ و ۶۶</sup>

داریوش، نرخ مالیات‌هارا که پیش از او به خواست ساتراپ‌ها و پادشاهان مناطق بستگی و نوسان بسیار داشت، به دقت و به گونه مقطوع مشخص کرد.

نخستین ممیزی مالیاتی در جهان در دوران داریوش انجام گرفت. او برای انتظام بیشتر وضع مالیه عمومی، اوزان و مقادیر را در سراسر قلمرو خود یکنواخت ساخت.<sup>۶۷</sup> نظام مالیاتی برقرار شده از سوی داریوش، با توجه به مقطوع بودن میزان آن، عادلانه‌تر (یا کمتر ظالمانه) بود.<sup>۶۸</sup>



## ۱. توجه ویژه به حقوق مربوط به کار

حق کار کردن<sup>۶۶</sup> و حق بهره‌گیری عادلانه از کار (حقوق کار)<sup>۶۷</sup>، در شمار حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر است و دلیل آن هم به اهمیت نیروی کار بعنوان مهمترین عامل تولید در سراسر تاریخ بازمی‌گردد. البته این اهمیت به هیچ‌رو به معنای رعایت شدن این حقوق و حتی به رسمیت شناخته شدن آن بعنوان یک «حق»، حتی تا یک‌صد سال پیش نیست.

به ظاهر، نظم اجتماعی تا پس از انقلاب صنعتی در اروپا، بهره‌کشی از نیروی کار ارزان را، چندان بد نمی‌شناخته است. در آن دوران کارگران از شرایط دشوار کاری و وضع نامناسب بهداشتی رنج می‌برند. مبارزات اجتماعی کارگران، برای تنظیم قرارداد عادلانه کار و توزیع عادلانه کالاهای اقتصادی میان کارگران، رفت‌هرفته از اوایل سده نوزدهم آغاز شد و پس از پیروزیهایی چند، در آوریل ۱۹۱۹ به بریانی سازمان بین‌المللی کار انجامید.<sup>۶۸</sup>

اماً، اهمیت این حقوق آنچه جلوه می‌کند که نزدیک به سه دهه پیش از تصویب منشور ملل متحده و اعلامیه جهانی حقوق بشر و کمایش پنج دهه پیش از تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر، طیفی گسترده از استانداردهای مرتبط با حقوق کار از سوی سازمان بین‌المللی کار، پیدید آمد و الزام آور شد، به گونه‌ای که امروز دست کم در سنجش با دیگر حقوق

### ○ او مستند می‌نویسد:

«داریوش نه تنها یک کارگزار بزرگ بود بلکه به نسبت آگاهی و روشن‌اندیشی اش، یک کارдан بر جستهٔ مالی بود. در میان پادشاهان باستانی کمتر فرمانروایی می‌یابیم که مانند داریوش دریافته باشد که کامیابی یک ملت باید بر بنیاد اقتصادی سالم گذاشته شود.»

«من نیت شمارادر بهبود بخشیدن کشورم به وسیله‌ی انتقال و کشت درختان میوه‌دار در آن سوی فلاٹ در بخش علیای آسیا تقدیر می‌کنم.»<sup>۶۹</sup>  
داریوش، در وصیت نامه منسوب به او، به انبارهای غله در سراسر کشور اشاره می‌کند، و از جانشین خود (خشایارشا) می‌خواهد که ساخت آنها را پیگیرد تا کشور هیچ‌گاه با کمبود خواربار رو به رو نشود:

«ده سال است که من مشغول ساختن انبارهای غله در نقاط مختلف کشور هستم و من روش ساختن این انبارهای از سنگ ساخته می‌شود و به شکل استوانه هست، در مصر آموختم و چون انبارها پیوسته تخلیه می‌شود، حشرات در آن بوجود نمی‌آیند و غله در این انبارها چند سال می‌ماند بدون اینکه فاسد شود و تو باید بعد از من به ساختن انبارهای غله ادامه بدهی تا اینکه همواره آذوقه دو و یا سه سال کشور در آن انبارها موجود باشد. و هر ساله بعد از اینکه غله جدید بدست آمد از غله موجود در انبارها برای تأمین کسری خواربار از آن استفاده کن و غله جدید را بعد از اینکه بو جاری شد به انبار منتقل نما و به این ترتیب تو هرگز برای آذوغه در این مملکت دغدغه نخواهی داشت و لو دو یا سه سال پیاپی خشکسالی شود.»<sup>۷۰</sup>

البته باید دانست که تشویق مردمان به کشاورزی ریشه‌ای ژرف در آیین مزدیست داشت:  
(اهورامزدامی گوید: کسی که گندم می‌کارد به این می‌ماند که راستی می‌افشاند و دین مزدیسنارا پیش می‌برد.)<sup>۷۱</sup>

ایرانیان برای توسعه کشاورزی و رویارویی با کمبود بارش و تقسیم نابرابر منابع آبیاری، از روش‌های تازه آبیاری چون آبیاری مصنوعی بهره می‌گرفتند.<sup>۷۲</sup> هخامنشیان با بهبود بخشیدن به روش‌های تولید، نگهداری و توزیع غله و با بهره‌گیری هرچه بیشتر از دانسته‌های فنی و علمی موجود و نیز با اصلاح نظام کشاورزی به گونه‌ای که به بیشترین توسعه و بهترین بهره‌گیری از منابع طبیعی بینجامد، برنامهٔ کلان خود را بر افزایش سطح استانداردهای زندگی مردمان گذاشتند.



○ شاهان هخامنشی برای تشویق کشاورزی فرمان داده بودند هر کس زمینهای بی حاصل را با آبیاری آباد کند تا پنج پشت درآمد آن، از آن او و بازماندگانش باشد. از سوی دیگر، به کشاورزان و امهای بی بهره داده می شد. نامه‌ای از داریوش در دست است که به فرمانروای گداتس فرستاده شده است. وی در این نامه دستور داده است که در آسیای صغیر و روسيه گیاهان و درختان شرقی بکارند.

زیادی به طبقه آنها بستگی داشته است.<sup>۷۰</sup> اما باید دانست که وجود مسکوکات در فعالیتهای اقتصادی، پیدایش بانک، وجود راههای امن و آرام و تشویق دولت، به پیشرفت صنعتی و در تیجه افزایش فرصتهای شغلی کمک شایان کرده است.<sup>۷۱</sup>

برایه لوح‌های ترجمه شده، شمار زنانی که در دستگاه اقتصادی سلطنتی خدمت می‌کردند ۴۰ تا ۶۰ درصد کارگران بوده و با دختران بر سر هم به ۷۰ درصد می‌رسیده است. از این آمارها می‌توان دریافت که از حیث حق کار کردن، زنان فرصتهای برابر با مردان بی‌هر گونه تعیض داشته‌اند. چنین می‌نماید که بزرگی از کارهای صنعتی و ساختمانی دولتی، به دست زنان بوده است.

در زمینه‌راهنمایی و آموزش فنی و حرفه‌ای کارگران این قاعده وجود داشت که هر استاد کار موظف بود در دوران زندگی اش چندین استاد کار ماهر مانند خود تربیت کند.

- حق تمنع عادلانه و مساعد کار  
کارگران از طبقات گوناگون بودند. از سوی دیگر، بر حسب جنسیت و سن هم به کارگر زن، کارگر مرد،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر، پیشرفت بیشتری داشته است.<sup>۶۹</sup>

اما در روزگاران باستان، آنچه امروز برجسته‌ترین نمادهای تأثیر چشمگیر فعالیت نیروی کار را نشان می‌دهد، بنای‌ای باشکوهی است که بیشترین شکوهش را مدیون کار طاقت‌فرسای کارگران سازنده آنها است. بیگاری، پدیده‌ای رایج در آن دوران بوده است. اهرام سه گانه مصر، با کاربی مزد بر دگان ساخته شده است. تازه این در صورتی بود که بخت با کارگران یار بود و مانند آنچه در چین می‌گذشت، پیکرشان در میان دیوارهای آن بنانمی‌ماند.

در دوران هخامنشی، برای نخستین بار در یک امپراتوری باستانی، کاخها و ساختمانهای باشکوهی برپا شد که کارگران سازنده آنها، زن و مرد، از حقوق و مزایای معین برخوردار بودند. شمار کارگرانی که به گونه پیوسته به مدت ۵۰ سال سرگرم ساختن مجموعه تخت جمشید بودند، به ۲۵ هزار تن می‌رسیده که ۱۰۰۰ تن از آنان کارگر متخصص بوده‌اند.

خبر خوب آنکه تزدیک به سی هزار لوح گلی از خزانه تخت جمشید یافت شده، که در برگیرنده مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد اداری و دولتی است که نوع تخصص کارگر، جنسیت او، مدت فعالیت، میزان دستمزدش و بسیاری اطلاعات دیگر را در اختیار ما می‌گذارد. خبر دیگر اینکه در پرتو کاوش‌های تازه در تنگ بلاغی (درست در کنار سد سیوند)، اطلاعات چشمگیری درباره زندگی مردمان عادی در آن دوران، از جمله فعالیتهای کشاورزی و صنعتی کارگران به دست آمده است که البته هنوز همه آنها درستی به آگاهی همگان نرسیده است.

#### - حق کار کردن

مدارکی در دست نیست که نشان دهد دولت هخامنشی تا چه اندازه کار کردن را «حق» افراد می‌دانسته و حتی اگر می‌دانسته، تا چه اندازه حق گزینش یا پذیرش آزادانه کاری را که پاسخگوی زندگی فرد باشد به رسمیت می‌شناخته و اقدامات مقتضی برای پاسداری از این حق معمول می‌داشته است. آنچه از بررسیهای تاریخی بر می‌آید، این است که نوع کار افراد تا اندازه



علت آنرا بالا بودن ساعات کار آنان و برخی به پارسی  
بودنشان دانسته‌اند.<sup>۷۴</sup>

بیشترین مزد کارگران تولیدی، کمایش برابر با ۷۵ دلار و کمترین آن برابر با ۲۵ سنت بوده است؛ یعنی بالاترین مزد ۳۰ برابر پایین ترین مزد بوده است. حقوق سربازان از کارگران تولیدی بیشتر بوده است. آنان کمایش ۲۰ دلار دریافت می‌کرده‌اند.<sup>۷۵</sup> کارگران افرون بر مزد، همه هفت‌هه مقداری گوشت و شراب نیز می‌گرفته‌اند.<sup>۷۶</sup>

بر سر هم باید گفت که مزد کارگران تا آنجا که نظم اجتماعی آن دوران اجازه می‌داده منصفانه بوده است، بویژه هنگامی که شیوه نگرش دولت هخامنشی به کار انسانی را با نگرش یونانیان بسنجدیم؛ ارسطو، کارگر را ایزاری جاندار می‌خواند، چنان‌که ایزار، کارگری است بی‌جان.<sup>۷۷</sup>

### بهره‌سخن

بامعیارهای امروز حقوق بشر، شاید بتوان ادعا کرد که پادشاهان هخامنشی، مانند بسیاری از فرمانروایان باستانی، در عرصه داخلی خود کامه و ناقض بسیاری از حقوق بنیادین انسانها و در عرصه بین‌الملل، جنگ‌افروز بوده‌اند. اما باید دانست که پاگرفتن این چارچوب تنگ که در آن سخن می‌گوییم، تا زیر ۲۵۰۴ سال پس از به تخت نشستن کوروش آغاز شده است و در ۱۹۴۵ میلادی بوده که منشور ملل متحده به تصویب نمایندگان ۵۱ دولت رسیده و کم کم دولتها به پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بی‌هر گونه تمایز نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی متعهد شده‌اند.

شماری از همین دولتهای بانی منشور، به تازگی از یک جنگ و کشتار جنون آمیز جهانی فراغت یافته بودند؛ جنگی که بی‌گمان در سایه پیشرفت‌های تکنولوژیک کشتار انسان، بسی خونبارتر از جنگ‌های دوران باستان بود.

در اینجا چند نکته شایسته‌یادآوری است:  
۱. حقوق بشر به مفهوم مدرن آن، برآیند گسترش طبقه‌متوسط شهرنشین اروپایی-آمریکایی بوده است؛

○ هخامنشیان با بهبود بخشیدن به روشهای تولید، نگهداری و توزیع غله و با بهره‌گیری هرچه بیشتر از دانسته‌های فنی و علمی موجود و نیز با اصلاح نظام کشاورزی به گونه‌ای که به بیشترین توسعه و بهترین بهره‌گیری از منابع طبیعی بینجامد، برنامه کلان خود را بر افزایش سطح استانداردهای زندگی مردمان گذاشتند.

کارگر کودک دختر و کارگر کودک پسر تقسیم می‌شدند. تقسیمات دیگری نیز بر حسب نوع تخصص کارگران وجود داشت. از آنجاکه در کنیه‌های تخت جمشید نوشته شده که کارگران از نقاط گوناگون شاهنشاهی ایران به آنجا می‌آمدند، (که این نکته در معماری تخت جمشید نیز به چشم می‌خورد)، بی‌گمان تشکیلات منظمی برای گردآوری کارگران و گزینش کارگران با تخصص‌های گوناگون<sup>۷۸</sup> وجود داشته است.

- حق دریافت مزد و مزایای منصفانه  
بر سر هم میزان مزد پرداختی به کارگران به طبقه، جنسیت، سن و تخصص آنها بستگی داشته است. برای نمونه، مزد کارگر مرد بیشتر از کارگر زن، و مزد کارگر پسر، بیش از مزد کارگر دختر بوده است. البته این قانونی کلی نبوده است، زیرا در برخی موارد، دستمزد پاره‌ای از کارگران زن، بیش از کارگران مرد بوده است؛ و این نشان می‌دهد که گاهی تخصص بر جنسیت برتری داشته است.

تقسیم‌بندی مزدها بر پایه تخصص نیز بدین گونه بوده است که دارندگان تخصص زرده‌سازی، زرگری و مس کاری بیشترین دستمزد را می‌گرفته‌اند و دستمزد کارگران ساختمانی کمتر از دیگران بوده است. از سوی دیگر، دستمزد شراب‌سازان و آجوسازان نیز چشمگیر بوده است. البته کاوشگران علت بالا بودن دستمزد چویان و خرکچیان را به درستی در نیافته‌اند. برخی



[کماپیش] سی ملّت گوناگون با حفظ زبان، مذهب و اخلاق ویژه خویش، در زیر فرمان شاهنشاه ایران زندگی می کرده‌اند.<sup>۷۹</sup>

۳. در دولتهای باستانی، تفکیک قوا- دست کم به معنای مورد نظر اندیشمندان اروپایی در سده ۱۸ میلادی - وجود نداشته و قدرت به گونهٔ متصرکز در دست شخص شاه بوده است؛ در تیجه، رفتار حکومت با شهر و ندان نیز، بسیار بستگی به این داشته که «چه کسی» در رأس قدرت بوده است. بنابراین، با یک سازمان با رویکرد رفتار یکدست رو به رو نیستیم.

در دوران هخامنشیان، همهٔ مورخان (بویژه مورخان یونانی هم عصر با آنان)، اصرار دارند، که میان دوران پادشاهی کوروش و داریوش نسبت به دیگر پادشاهان هخامنشی، به لحاظ احترام به حقوق بشر، قابل به تفکیک شویم.

○ در دوران هخامنشی، برای نخستین بار در یک امپراتوری باستانی، کاخها و ساختمانهای باشکوهی برپا شد که کارگران سازنده آنها، زن و مرد، از حقوق و مزایای معین برخوردار بودند. شمار کارگرانی که به گونهٔ پیوسته به مدت ۵۰ سال سرگرم ساختن مجموعهٔ تخت جمشید بودند، به ۲۵ هزار تن می‌رسیده که ۱۰۰۰ تن از آنان کارگر متخصص بوده‌اند. نزدیک به سی هزار لوح گلی از خزانهٔ تخت جمشید یافت شده، که در برگیرندهٔ مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد اداری و دولتی است که نوع تخصص کارگر، جنسیت او، مدت فعالیت، میزان دستمزدش و بسیاری اطلاعات دیگر را در اختیار ما می‌گذارد.

رویدادی که بازمینه‌های فکری دوران روشنگری همراه شدو آنگاه که شرایط و تجارب بین‌المللی مساعد و کافی شد، رفتار فرهنگ توسعه یافت به گونه‌ای که امروز به لحاظ ماهویی حتی چارچوب‌های منشور بین‌المللی حقوق بشر را نیز در نور دیده است. بنابراین، انتظار رعایت شدن حقوق بشر به مفهوم امروزین در یک جامعهٔ باستانی با سازمان اجتماعی طبقاتی و قبیله‌ای، بی‌مورد است و ناگزیر باید حقوق بشر را در بستری یکسره تاریخی بازشناسیم، و آنگاه که در این دستگاه فکری به دوران باستان بنگریم، به ترتیب این پژوهش بیشتر امیدوار خواهیم بود.

۲. توجه دولتها به اصول انسانی و حقوق بشر، در سراسر تاریخ، در پرتو گونه‌ای «ثبتات» پدیده‌می‌آید. در پاسخ به این پرسش که این ثبات تاچه اندازه در دوران هخامنشیان فراهم بوده است، به این تیجه رسیده‌ایم که ظهور هخامنشیان با اقتداری که کوروش در جهان قدیم برای ایران پدید آورد و نظام‌مندی که بعدها داریوش در سراسر کشور استوار ساخت، ثبات نسبی برای جامعهٔ ایرانی به ارمغان آورد. این ثبات نسبی وقتی معنا می‌باشد که بدایم گوناگونی فرهنگی و دینی در قلمرو ایران هخامنشی، بیش از هر زمان دیگری وجود داشته است.

هگل، فیلسوف آلمانی، در فلسفهٔ تاریخ خود، ارزش معنوی هخامنشیان را در هشیاری تاریخی و پیام آزادی ملتها و رسالت جهانی آن می‌بیند. او از این نظر ایرانیان را نخستین «ملت تاریخی» می‌داند و بربایی سلسلهٔ هخامنشی را نقطهٔ آغاز تاریخ جهانی می‌شمارد:

«شاهنشاهی هخامنشی، دولتی امپراتوری بود، به مفهوم جدید آن.... مرکب از دولتهای گوناگون. اما هر کدام فردیت خود را از نظر بنیادهای سیاسی و سنت و نوامیس خویش محفوظ داشته‌اند. همان طور که نور روشی می‌بخشد و به هر چیز حیات مخصوص می‌دهد، فروغ شاهنشاهی ایران نیز بر ملل عدیده گسترش دارد، و هر یک شخصیت حاصل خود را نگاه داشته... و آن ترکیبی بود از اقوام مختلف که همگی آزاد می‌زیستند.»<sup>۷۸</sup>

در کتبه‌های هخامنشی نوشته شده است که،



- خدایان، مردوك) به خشم آمد... دیگر ایزدان باشند، آن سرزمین را ترک کرده بودند (آبادانی و فراوانی و آرامش رخت برسته بود؟)
۱۰. مردم از خدای بزرگ می خواستند تابه وضع همه باشندگان روی زمین که زندگی و کاشانه اشان رو به ویرانی می رفت، توجه کند. مردوك خدای بزرگ اراده کرد تا ایزدان به بال بازگردد.
۱۱. ساکنان سرزمین سومر واکد مانند مردگان [افسرده و بی جان] شده بودند. مردوك به سوی آنان متوجه شد و بر آنان رحمت آورد.
۱۲. مردوك به دنبال فرمانروایی دادگر در سراسر همه کشورها به پرس و جو پرداخت، به جستجوی شاهی خوب که اورایاری دهد. آنگاه او نام کوروش، پادشاه انسان را برخواند و از او به نام پادشاه جهان یاد کرد.
۱۳. او تمام سرزمین گوتان و همه مردمان مادرابه فرمانبرداری کوروش در آورد. و با هر «سیاهسر»<sup>۸۲</sup> [همه مردمان] دادگرانه رفتار کرد.
۱۴. کوروش بار استی و داد پیوسته آنان را شبانی می کرد و مردوك خدای بزرگ با شادی از کردار نیک و قلب [پر از] داد این پشتیبان مردم خرسند بود.

---

○ بروایه لوح های ترجمه شده، شمار زنانی که در دستگاه اقتصادی سلطنتی خدمت می کرده اند ۴۰ تا ۶۰ درصد کارگران بوده و با دختران بر سر هم به ۶۰ تا ۷۰ درصد می رسیده است. از این آمارها می توان دریافت که از حیث حق کار کردن، زنان فرصتهای برابر با مردان بی هرگونه تبعیض داشته اند. چنین می نماید که مردان بیشتر در ارش خدمت می کرده اند و بخش بزرگی از کارهای صنعتی و ساختمانی دولتی، به دست زنان بوده است.

---

۴. هنگامی که از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر «در دوران هخامنشی» سخن می گوییم، روشن است که دولت هخامنشی، در این زمینه تعهدی در برابر مردمان احساس نمی کرده است. در اینجا، سخن راندن از «گفتمان حق محور» در مقابل مردمان بی مورد است. آنچه وجود دارد، تنها مجموعه ای از سیاست های (گاهی مقطعي و موردي) دولت (شخص پادشاه) است، که در اينجا در پي آن بوده ايم که نشان دهيم «در مسیر احترام به كرامت انساني قرار داشته است.

مفهوم حق به تعبير امروزين، بر آيند فرایندی اجتماعي و تاريخي است.

### (پيوست)

- متن استوانه کوروش
۱. .... [بنا] کرد.
۲. .... همه جهان.
۳. .... مرد نادرستی (بنام نبوئيد) به فرمانروایی کشورش رسیده بود.
۴. .... او باج گندم و دهش رمه را بر آنان تحمیل کردو آيین های کهن را زبين بردو چيز های من در آوردي به جاي آن گذاشت.
۵. معبدی همانند «اسگيل» برای شهر اور<sup>۸۰</sup> و دیگر شهر های مقدس بنادرد.
۶. بارسومی که در خور مردم نبود. او کار ناشایست قربانی کردن را رواج داد که پيش از آن وجود نداشت...
- هر روز به گونه ای گستاخانه و خوار کننده سخن می گفت، همچنین خشونت و بد کرداری می کرد برای خوار کردن [خدایان].
۷. بردن ننورات را به پرستشگاه ها بر آنداخت، در آئين ها [به گونه ای ناروا] دست برد. اندوه و ماتم را در شهرها پراكندو از پرستش مردوك<sup>۸۱</sup> خدای بزرگ روی برگرداند.
۸. او که همواره به شهر روی [شهر مردوك، بابل] تباها کاري روامي داشت، هر روز به شيوه ای ساکنان شهر [بابل] را آزار می داد و با کارهای خشن خود همه را نابود می کرد... همه مردم را.
۹. از ناله و دادخواهی مردم، اتليل خدایان (سرور



○ هگل، فیلسوف آلمانی، در فلسفه تاریخ خود، ارزش معنوی هخامنشیان را در هشیاری تاریخی و پیام آزادی ملت‌ها و رسالت جهانی آن می‌بیند. او از این نظر ایرانیان را نخستین «ملت تاریخی» می‌داند و برپایی سلسله هخامنشی را نقطه آغاز تاریخ جهانی می‌شمارد.

[بردهاری را]، به بدختی‌های آنان پایان بخشیدم... مردوك از کردار نیک من خشنود شد.

۲۷. او بر من، کوروش، که ستایشگر او هستم و بر کمبوجیه پسر من و همچنین بر همه سپاهیان من،  
۲۸. برکت و مهر بانی اش را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم. به فرمان مردوك همه شاهانی که بر تخت نشسته‌اند.

۲۹. همه پادشاهان چهار گوشه جهان، از دریای بالاتا دریای پایین (از دریای مدیترانه تا خلیج فارس)... همه مردم سرزمین‌های دور دست، همه پادشاهان آموری، همه چادرنشینان.

۳۰. مرا اخراج گذاردند و در بابل برپا ہایم بوسه زدن. از... تا آشور و شوش.

۳۱. من شهرهای آگاده، اشنونا، زمبان، متورنو، دیر، سرزمین گوتیان و همچنین شهرهای مقدس آنسوی دجله را که مدتی دراز پرستشگاه‌هایشان ویران شده بود از نو ساختم.

۳۲. همه خدایان این نیایشگاه‌هارا به جاهای خود باز گرداندم. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند به جایگاه‌های خود برگرداندم و در منزلگاهی پایدار جای دادم. من همه ساکنان آنها را گرد آوردم و خانه‌هایشان را به آنها پس دادم.

۳۳. همچنین پیکره خدایان سومر و اکدرا که «نبونید» بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودی مردوك به شادی و خرمی،

۱۵. بنابراین او کوروش را برانگیخت تارا ه بابل را در پیش گیرد، در حالی که خودش همچون یک دوست او را همراهی می‌کرد.

۱۶. لشکر پر شمار او که همچون آب رو دخانه شمارش ناپذیر بود، آراسته به انواع جنگ افراها در کنار او ره می‌سپردند.

۱۷. مردوك مقدر کرد تا کوروش بدون جنگ و خونریزی به شهر بابل وارد شود. او بابل را زهر بلایی اینم داشت. او «نبونید» شاهرا، به دست کوروش سپرد.

۱۸. مردم بابل، سراسر سرزمین سومر و اکد و همه فرمانروایان محلی، فرمان کوروش را پذیرفتند. از پادشاهی او شادمان شدند، بر دوپای او بوسه زدن و با انجام این کار، چهره‌هایشان در خشان شد.

۱۹. مردم سروری را شادباش گفتند که به یاری او از چنگال مرگ و غم رهایی یافتنند و به زندگی بازگشتهند. همه ایزدان اور استودند و نامش را گرامی داشتند.

۲۰. منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان.

۲۱. پسر کمبوجیه، شاه بزرگ، شاه انسان، نواحی کوروش، شاه بزرگ، شاه انسان، از تبار «چیش پیش»، شاه بزرگ، شاه انسان.

۲۲. از دودمانی که همیشه شاه بوده‌اندو فرمانروایی اش را بـ<sup>۸۳</sup>(خدا) و نبو<sup>۸۴</sup> گرامی می‌دارند و با خرسندي قلبی پادشاهی اور اخواه‌اند. آنگاه که با آرامش وارد بابل شدم؛

۲۳. همه مردم گام‌های مرابا شادمانی پذیرفتند، دربار گاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم. مردوك دل‌های پاک مردم بابل را متوجه من کرد [...] زیرا من اور الرجمند و گرامی داشتم.

۲۴. ارتش بزرگ من بی‌مزاحمت وارد بابل شد. من به هیچکس اجازه ندادم که سرزمین سومر و اکد را در چاره‌های پنهان کند.

۲۵.... من نیازمندی‌های بابل و همه پرستشگاه‌های آنرا در نظر گرفتم و در بهبود وضعشان کوشیدم.

۲۶... من بوغ ناپسند مردم بابل [...] را برداشم.



- همراه استکندر. که به هنگام تسخیر پارس همراه او بود وجود داشت.  
 (ح. م. عطّار، مروری بر تاریخ شهر پاسارگاد نخستین تختگاه هخامنشیان، شرق، شماره ۵۸۰، ۲۸ شهریور ۱۳۸۴) ۱۳۸۴
۲. همان.
۳. سفرنامه مدام دیولا فوا، ترجمه مترجم همایون، ص ۳۶۵؛ به نقل از ابوالکلام آزاد، کوروش کبیر (ذوالقرنین)، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۰)، ص ۱۴۱.
۴. هروdot، تاریخ هروdot، ترجمه جرج راولین سن، وحید مازندرانی، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳)، ص ۷۶.
۵. ابن الندیم، الفهرست، ص ۴۳۶؛ به نقل از: مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۵۴۳.
۶. آبرت تن ایک اوستند، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، (تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۴)، ص ۷۲۷.
۷. «گزارش تحلیلی بر نمایشگاه امپراتوری فراموش شده»، پایگاه اینترنتی مرکز پژوهش‌های مسیحی: <http://www.farsicrc.com>.
۸. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران (تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۳)، ج ۱، ص ۱۹۱.
۹. همان، ص ۴۲۹.
۱۰. ایلیف، میراث ایران، ص ۱۸؛ به نقل از مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۵۱.
۱۱. عزت الله نوذری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تامشروعی، (تهران: خجسته، ۱۳۸۰)، ص ۵۶.
۱۲. محل دقیق حکومت آنان شهر شوش پایتخت سوزیان یا ایلام در دامنه رشته کوه‌های بخش جنوب خاوری ایران بود که پیش از آن شاهان بومی در آنجا فرمان می‌راندند (عبدالعظیم رضابی، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، (تهران: نشر علم، ۱۳۷۶)، ص ۲۹۳).
۱۳. عزت الله نوذری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تامشروعی، ص ۴۸.
۱۴. ریچارد فرای، میراث باستانی ایران، ص ۱۳۹؛ به نقل از: مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۲۷.
۱۵. همان، ص ۴۲۵.
۱۶. هروdot، تاریخ هروdot، ص ۱۰۲.
۱۷. اشیانی باب چهل و پنجم؛ به نقل از: صدیق صفیزاده، تاریخ پنج هزار ساله ایران، (تهران: انتشارات آرون، ۱۳۸۲)، ص ۳۲۳.
۱۸. [http://www.en.wikipedia.org/wiki/Cyrus\\_Cylinder](http://www.en.wikipedia.org/wiki/Cyrus_Cylinder)
۱۹. حسن پیرنیا، ایران باستان، (تهران، دنیای کتاب، ۱۳۱۱)، ص ۴۲۲.
۲۰. عزت الله نوذری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تامشروعه،

○ در کتبیه‌های هخامنشی نوشته شده است که، [کما پیش] سی ملت گوناگون با حفظ زبان، مذهب و اخلاق ویژه خویش، در زیر فرمان شاهنشاه ایران زندگی می‌کرده‌اند.

۳۴. به نیایشگاه‌های خودشان بازگرداندم، باشد که دل‌ها شاد گردد. بشود که خدایانی که آنان را به جایگاه‌های مقدس نخستین شان بازگرداندم،

۳۵. هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم خواستار زندگانی بلند باشند. بشود که سخنان پر برکت و نیکخواهانه برایم بیابند، بشود که آنان به خدای من مردوك بگویند: کوروش شاه، پادشاهی است که تورا گرامی می‌دارد و پرسش کمبوجیه [نیز]،

۳۶. بی‌گمان در روزهای سازندگی، همگی مردم بابل پادشاه را گرامی داشتند و من برای همه مردم، جامعه‌ای آرام مهیا ساختم و صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطای کردم.

۳۷....

۳۸... باروی بزرگ شهر بابل را استوار گردانیدم... دیوار آجری خندق شهر را،

۳۹... که هیچیک از شاهان پیشین با بردگان به بیگاری گرفته شده به پایان نرسانیده بودند،

۴۰... به سرانجام رسانیدم. ۴۱... دروازه‌هایی بزرگ برای آنها گذاشتم با درهایی از چوب سدرو روکشی از مفرغ... ۴۲... از چوب سدرو روکشی از مفرغ... ۴۳... ۴۴... ۴۵... برای همیشه.

## یادداشت‌ها

۱. این سخن فیلسوفانه و اندرزگونه خطاب به آیندگان در سنگنبشته‌ای کنار آرامگاه کوروش بزرگ آمده بود که به گزارش آریان مورخ اهل آسیای صغیر و گزارش آریستوپول، دوست و مورخ



- پس بگیرد.
۳۷. ر.ک. به: محمد علی همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، صص ۷۷-۷۳.
۳۸. بهستان، بند ۸، به نقل از: آبرت تن آیک او مستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ص ۱۶۳.  
(به نقل از: مأخذ پیشین، ص ۱۶۳).
39. J.P. Strassmaier, Babylonische Texte: Darius (1897), No.53.
40. Ordinance of Good Regulations.
۴۱. همان، ص ۱۶۳.
۴۲. حمورابی مشهورترین پادشاه بابل که نزدیک به ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد فرمان می‌راند. او همه قوانین موجود را گردآوردو از میان آنها جمجمه‌ای از قوانین برای مردمان وضع کرد. به گفته خود او دلیل چنین کاری آن بود که مردمان در صلح و آرامش زندگی کنند. او که این دستورهای اراده‌داری بلوک سنگی بزرگی کنده بود، فرمان داد تصویرش را در حال دریافت قوانین از خورشید در بالای سنگ بکشند و این جملات را روی کتیبه حک کنند: «بگذارید ستمدیدگانی که شکایتی دارند این جا بیانند و مقابل نقش من بعنوان پادشاهی دادگستر باشند. بگذارید کتیبه را بخوانند و کلمات پر ارزش مرا دریابند. قوانین آنها را هنما بخواهد کرد. آنان به حق خود می‌رسند و خوشحال و راضی می‌شوند». (گر توردهار تمن، سازندگان دنیای کهن، ترجمة حسن مرتضوی، تهران: آگاه، ۱۳۸۰، ۷۶، ۱۳۸۰).
۴۳. ر.ک. به: آبرت تن آیک او مستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، صص ۱۶۲-۱۸۲.
۴۴. همان، ص ۱۶۶.
۴۵. عزت الله نوذری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تامشروعه، ص ۵۰.
۴۶. برای آگاهی بیشتر درباره ساختار حقوقی و قضائی هخامنشیان: ر.ک. به: حسن امین، تاریخ حقوق ایران، تهران: دایرة المعارف ایران شناسی، ۱۳۸۲، صص ۹۹-۸۱؛ همچنین ر.ک. به: علی پاشا صالح، سرگذشت قانون، مباحثی از تاریخ حقوق- دورنمایی از روزگاران پیشین تامروز، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳، صص ۱۳۰-۱۲۳؛ و نیز ر.ک. به: مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۸۴-۴۷۹.
۴۷. همان، ص ۱۷۶.
۴۸. به همین دلیل، دیور سیسلی (تاریخ نگار سده یکم پیش از میلاد) از داریوش بعنوان «ششمین قانونگذار مصر» یاد کرده است.  
(حسن امین، تاریخ حقوق ایران، ص ۸۵).
۴۹. ص.
۲۱. این امر به گواه منظومه‌ای بابلی است که کاهنان بابل نگاشته‌اند: ر.ک. به: امیر حسین خنجی، «تاریخ ایران زمین»، پایگاه اینترنتی تاریخ http://www. irantarakh. com/ iran-zamin. htm
۲۲. ر.ک. به: پیوست.
۲۳. متن استوانه کوروش را در واقع روحانیان مردوك، با الهام از الگوهای کهن نو- آشوری، بویژه کتیبه‌های آشور بني پال (۶۶۸-۶۲۷ پ.م.) ترتیب داده‌اند. استوانه کوروش با چنین درونمایه‌ای، یک نمونه از بنا-نوشته‌های بین‌النهرینی است که در زیر ساخت دیوارهای باروی بابل، به یادبود بازسازی آن به دست کوروش، گذاشته شده بود.  
(«منشور کوروش و طرح یک سئوال»، پایگاه اینترنتی جنبش آینده‌نگری ایران: www.ayandehnegar. org).
۲۴. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۲۷.
۲۵. گزارش‌های باستان‌شناسی، مجلد چهارم، ص ۱۳۳؛ به نقل از مأخذ پیشین، ص ۴۲۷.
۲۶. امیر حسین خنجی، «تاریخ ایران زمین»، پایگاه اینترنتی تاریخ و فرهنگ ایران زمین.  
http://www. irantarakh. com/ iranzamin. htm
27. http://www. en. wikipedia. org/ wiki/ Cyrus- Cylinder
۲۸. برای آشنایی با متن معتبر: ر.ک. به: ابوالکلام آزاد، کوروش کبیر (ذوالقرنین)، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، صص ۵۴-۵۵؛ و برای دسترسی به متن خیالی، ر.ک. به:  
http://en. wikipedia. org/wiki/Cyrus- Cylinder.
۲۹. ر.ک. به: مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۳۴.
۳۰. گونه‌ای کیفر سخت مانند مصلوب کردن.
۳۱. حسن پیرنیا، ایران باستان، ج ۱، ص ۵۵۴.
۳۲. آبرت تن آیک او مستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ص ۲۶۴.
۳۳. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۵۷۵.
۳۴. محمد علی همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰)، ص ۷۷-۷۳.
۳۵. عزت الله نوذری، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تامشروعه، ص ۵۶.
۳۶. در این پژوهش هرگاه تعابیری چون حق یا حقوق به کار رفته، بیشتر منظور امتیازاتی بوده است که از سوی پادشاه به مردم داده می‌شده و دست کم مفروض است که پادشاه می‌توانسته این امتیازات را



۷۴. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۳۱۳.
۷۵. همان، ص ۵۱۳.
۷۶. فریدون جنیدی، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، ص ۹۷.
۷۷. همان، ص ۹۷.
۷۸. هگل، فلسفه تاریخ، به نقل از: مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ص ۴۵۸.
۷۹. عبدالعظیم رضایی، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، ص ۳۶۶.
80. Ur.
81. Marduk.
۸۲. واژه «سیاه سر» [salmat qaqqadi] که در زبان مردمان، زنان بی‌پناه را تداعی می‌کند، اماً بیشتر مترجمان آنرا استعاره‌ای شاعرانه و به معنی مردم گرفته‌اند.
83. Bel.
84. Nabu.
۸۵. «منشور کوروش و طرح یک سئوال»، پایگاه اینترنتی جنبش آینده‌نگری ایران: <http://www.ayandehnegar.org>
- ### فهرست منابع
- الف) به زبان فارسی**
- کتاب‌ها**
۱. آزاد، ابوالکلام، کوروش کبیر ذو القرین، ترجمه محمد ابراهیم باستانی باریزی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۰.
  ۲. امین، حسن، تاریخ حقوق ایران، تهران: دایرة المعارف ایران شناسی، ۱۳۸۲.
  ۳. اومستد، آلبرت تن آیک، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۴.
  ۴. پیرنیا، حسن، ایران باستان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۱۱.
  ۵. جنیدی، فریدون، حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران: نشر بلخ، ۱۳۷۸.
  ۶. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۳.
  ۷. رضایی، عبدالعظیم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، تهران: نشر علم، ۱۳۷۶.
  ۸. صالح، علی پاشا، سرگذشت قانون مباحثی از تاریخ حقوق دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳.
  ۹. صفی‌زاده، صدیق، تاریخ پنج هزار ساله ایران، تهران: انتشارات آرون، ۱۳۸۲.
۴۹. همان، ص ۸۵.
۵۰. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۴۰-۴۳۹.
۵۱. داریوش در کتبیه کanal می‌نویسد: «من پارسی هستم، به همراه پارسیان مصر را گشودم، امر کردم این کanal را بکنند...» (همان، ص ۴۴۹).
۵۲. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۴۱.
۵۳. آلبرت تن آیک او مستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ص ۲۵۱.
۵۴. حسن امین، تاریخ حقوق ایران، ص ۸۷.
۵۵. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۹۹.
۵۶. نظر سوّران در باره ارزش برابری پول هخامنشی (شکل) بر حسب دلار یکسان نیست. برخی شکل را ۲۵ سنت و برخی دیگر یک دلار دانسته‌اند (مأخذ پیشین، ص ۵۱۳). در این پژوهش، شکل بر پایه یک دلار محاسبه شده است.
۵۷. حسن امین، تاریخ حقوق ایران، ص ۸۹.
۵۸. همان، ص ۸۸.
۵۹. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۵۰۱.
۶۰. پولیپ، کتاب ۱۰ بند ۲۸؛ به نقل از، مأخذ پیشین، ص ۵۰۲.
۶۱. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۴۴۱.
۶۲. گیرشمن، ایران از آغاز تاسلام؛ به نقل از، مأخذ پیشین، ص ۴۹۸.
۶۳. برای مشاهده متن و صیّت نامه منسوب به داریوش بزرگ، ر. ک. به: <http://www.sepandarmazd.com/home.htm>.
۶۴. وندیداد، فرگرد ۳، فقره ۲۳؛ به نقل از: مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۵۰۳.
۶۵. ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم، ص ۶؛ به نقل از مأخذ پیشین، ص ۵۰۲.
66. Right to work.
67. labor law.
68. رضا موسی‌زاده، سازمان‌های بین‌المللی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹)، ص ۲۰۷-۲۰۶.
69. [http://www.l.umn.edu/humanrts/edumat/IHRIP/circle/modules/module\\_10.htm](http://www.l.umn.edu/humanrts/edumat/IHRIP/circle/modules/module_10.htm).
70. مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۵۵۸.
71. همان، ص ۵۰۹.
72. همان، ص ۵۱۳.
73. منجمان، ریاضی‌دانان، فیزیک‌دانان، هنرمندان، مهندسان، محاسبان، آزمایش‌گران چوب، بنایان، کارگران ساده، باقندگان، دوزندگان، متخصصان حمل و نقل و ...



۱۹. «منشور کوروش و طرح یک سئوال»، پایگاه اینترنیتی جنبش آینده‌نگری ایران به نشانی: <http://www.ayandehnegar.org>.
۲۰. «متن وصیت‌نامه‌ی منسوب به داریوش بزرگ»، پایگاه اینترنیتی سپندارمذد به نشانی: <http://www.sepandarmazd.com/home.htm>.
۲۱. «اشیاء موجود در نمایشگاه امپراتوری فراموش شده»، پایگاه اینترنیتی موزه‌ی بریتانیا به نشانی: <http://www.thebritishmuseum.ac.uk/forgottenempire/objects>
۲۲. پایگاه اینترنیتی مرکز مطالعات ایران باستان به نشانی: <http://www.cais-soas.com/Essays.htm#History>.

### ب) به زبان انگلیسی

23. Human Rights Resource Centre, University of Minnesota, "Circle of Rights: Economic, Social and Cultural Rights Activism", in: <http://www1.umn.edu/humanrts/edumat/IHRIP/circle/modules>.
24. Wikipedia encyclopedia, "Achaemenid dynasty", in: [http://www.en.wikipedia.org/wiki/Achaemenid-dynasty # References](http://www.en.wikipedia.org/wiki/Achaemenid-dynasty).
25. Wikipedia encyclopedia, "Cyrus Cylinder", in: [http://www.en.wikipedia.org/wiki/Cyrus\\_Cylinder](http://www.en.wikipedia.org/wiki/Cyrus_Cylinder).

۱۰. مرکز مطالعات حقوق بشر، گزیده‌ای از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۱.
۱۱. موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹.
۱۲. نوذری، عزت‌الله، تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت، تهران: خجسته، ۱۳۸۰.
۱۳. هارتمن، گرتورد، سازندگان دنیای کهن، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگاه، ۱۳۸۰.
۱۴. هرودوت، تاریخ هرودوت، ترجمه جرج راولین سن، وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
۱۵. همایون کاتوزیان، محمدعلی، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

### دیگر منابع

۱۶. «گزارش تحلیلی بر نمایشگاه امپراتوری فراموش شده»، پایگاه اینترنیتی مرکز پژوهش‌های مسیحی به نشانی: <http://www.farsircrc.com>
۱۷. «مروری بر تاریخ شهر پاسارگاد نخستین تختگاه هخامنشیان»، ح.م. عطّار، شرق، شماره ۵۸۰، ۲۸ شهریور ماه ۱۳۸۴.
۱۸. «تاریخ ایران زمین»، امیر حسین خنجی، پایگاه اینترنیتی تاریخ و فرهنگ ایران زمین به نشانی: <http://www.irantarikh.com/iranZamin.htm>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پortal جامع علوم انسانی

